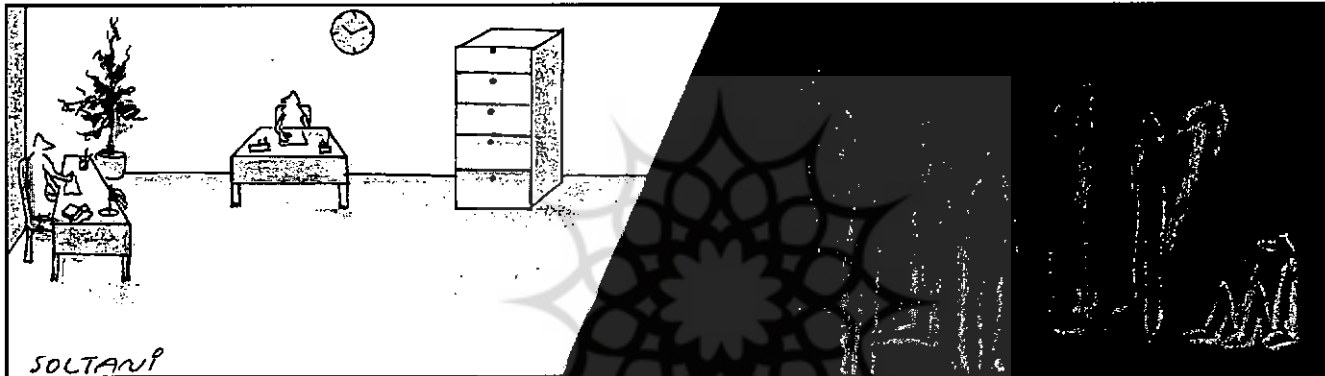


# بررسی تجربی اثر تجارت بر اشتغال صنعتی

بخش پایانی  
تهیه کننده: شکوه سادات سیدعلی اکبری



▲ کشورهای در حال توسعه، دارای یک بازار نیروی کار دوگانه هستند.

## اشاره

در بخش‌های قبلی این مقاله، پس از بررسی مبانی تئوریک اثرات آزادسازی تجارت بر اشتغال، رابطه تجارت با اشتغال و دستمزدها را مطرح کردیم و در این شماره نیز حاصل نهایی بررسی‌های مزبور ارائه می‌شود.

## بانک و اقتصاد

در تئوری، جهانی شدن به گسترش تجارت و افزایش همزمان رشد اقتصاد جهانی می‌انجامد. اما واقعیت، نماد کوچکی از این اتفاقات است: موانع تجاری کاهش یافته، سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات گسترده شده و تحرک سرمایه بین‌المللی به سرعت افزایش یافته است. اما تجارت جهانی و تولید ناخالص داخلی سرعت رشد آهسته‌ای داشته‌اند. همچنین، غیرقابل انکار است که خطر ناپایداری اقتصادی، به طور خاص در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است.

اما آزادسازی تجاری را نباید با جهانی شدن یکی گرفت. ریسک‌های ایجاد شده در فرآیند جهانی شدن، با مشکلاتی همراه است که از جریان سرمایه کوتاه‌مدت سرچشمه گرفته و از آزادسازی تجاری ناشی نمی‌شود. از طرف دیگر، تجربه نشان می‌دهد که منافع حاصل از آزادسازی تجاری، بیشتر از هزینه‌های آن بوده است. در تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه - بیشتر در آسیا - اثراتی پدیدار شده که نقش مهمی در اقتصاد جهانی پیدا کرده‌اند. این اقتصادها بسیاری از موانع موجود بر سر راه تقسیم کار بین‌المللی را از بین بردند و به عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان مدرن کالاهای ساخته‌شده مطرح شده‌اند.

به هر حال، برای اکثریت عظیم کشورهای در حال توسعه که با فقدان منابع فیزیکی و زیرساخت‌های اجتماعی مواجهند، آزادسازی مفهومی ندارد. آنها در موقعیتی نیستند که از گسترش تجارت کالاهای ساخته‌شده سود ببرند و هنوز هم صادرکنندگان مواد اولیه هستند و اهمیت آنها در

اقتصاد جهانی، به دلیل عدم اهمیت کالاهای اولیه در تجارت دنیا، کاهش یافته است. با وجود همه مشکلات زیربنایی در کشورهای در حال توسعه، نباید آزادسازی تجاری را محکوم کرد و مقصود دانست.

بر خلاف عقاید عمومی، علیرغم تغییرات ایجادشده در الگوی تجارت جهانی و وجود کشورهایی که از تجارت سود می‌برند، نگرانی‌ها و دلواپسی‌های زیادی بوجود آمده است. در کشورهای صنعتی، رشد تجارت کالاهای ساخته‌شده با کشورهای در حال توسعه موجب بوجود آمدن مشکلاتی در وضعیت بیکاری و رشد نابرابری‌ها شده است. در کشورهای در حال توسعه در صنایع با جهت‌گیری صادرات هم شرایط فقر کاری دیده می‌شود.

بررسی‌هایی که طی این مقاله مطرح شده است، نشان می‌دهد که گرچه نگرانی‌های موجود بی‌اساس نیستند، ولی به طور غیرواقعی بزرگ جلوه داده شده‌اند. در عین حال که رشد تجارت کالاهای ساخته‌شده با کشورهای در حال توسعه، بدون تردید، اثرات نامطلوبی بر اشتغال صنایع کار غیرماهر بر

کشورهای صنعتی داشته است، ولی تجربه‌هایی مثل آمریکا و ژاپن این اثرات را بسیار کوچک تلقی کرده‌اند و هرگز روند کلی اشتغال را در این بخش تغییر نداده‌اند. بسیار نامعقول است که بینکاری گسترده اقتصادی در کشورهای صنعتی را به تجارت کالاهای ساخته شده کشورهای در حال توسعه نسبت داد، ولی تجارت میان کشورهای توسعه یافته را نمی‌توان مقصر ندانست. در واقع، رکود و کاهش مشاهده شده در بخش اشتغال - حتی در صنایع با جهت‌گیری صادراتی که در آنها نیروی کار ماهر بکار رفته است - نشان می‌دهد که عواملی بسیار نیرومندتر از تجارت با کشورهای در حال توسعه، موجب کاهش اشتغال در تولید این گونه کالاها شده‌اند. حتی اگر اهمیت عامل تجارت میان کشورهای صنعتی را در نظر نگیریم، باز هم رقابت موجود در این تجارت توسط نیروی محرکه‌ای که در تغییر تکنولوژی کاراندوز وجود دارد، موجب شده است که اشتغال در کالاهای ساخته شده کاهش یابد. همین فرضیه را می‌توان در مورد روند اشتغال در بخش خدمات نیز تعمیم داد. و بعد از همه این موارد، باید گفت که روند گسترده اشتغال صنعتی را نمی‌توان توسط روند اشتغال در کالاهای ساخته شده توضیح داد، زیرا سهم آنها در کل اشتغال کشورهای صنعتی رقم بسیار ناچیزی است.

همچنین، تجارت با کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند عامل رشد نابرابری دستمزدها در کشورهای توسعه یافته باشد. تجربه ژاپن و آمریکا نشان می‌دهد که در تولید کالاهای ساخته شده هیچ‌گونه امتیازی به مهارت داده نشده است. به عبارت دیگر، رشد نابرابری دستمزدها، هیچ ارتباطی به بخش کالاهای ساخته شده ندارد و بیشتر به پیشرفت‌های نوین در بخش خدمات بر می‌گردد.

به طور کلی، اثرات تجارت بر اشتغال کشورهای در حال توسعه که با کشورهای صنعتی صورت گرفته است، به طور بالقوه بزرگ و مثبت است. صنایع با جهت‌گیری صادراتی در کشورهای در حال توسعه به طور معمول از صنایع دیگر کار برتر هستند و به همین دلیل، رشد تجارت کالاهای ساخته شده موجب افزایش درجه اشتغال در این بخش شده است. در اثر آزادسازی تجاری، بر خلاف پیش‌بینی‌های تئوریک، صنایع قابل رقابت با واردات که بیشتر کارماهر بر هستند، در این کشورها ضرورتاً کاهش نیافته است. تجربه نشان داده است که رشد صنایع با جهت‌گیری صادراتی، همراه با رشد صنایع دیگر شامل صنایع قابل رقابت با واردات بوده است. افزایش صادرات کالاهای ساخته شده به کشورهای صنعتی، موجب افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و غیرماهر در کشورهای در حال توسعه شده است.

تجربه نشان می‌دهد که اثرات تجارت روی دستمزدها در کشورهای در حال توسعه، آنقدر شفاف نیستند که تئوری‌های استاندارد پیش‌بینی کرده‌اند. بررسی‌ها حاکی از آن است که رشد تجارت می‌تواند باعث افزایش یا کاهش نابرابری دستمزدها در شرایط حاکم بر بازار نیروی کار شود. کشورهای در حال توسعه دارای یک بازار نیروی کار دوگانه هستند: در بخش رسمی نیروی کار، مقررات دولتی و آیین‌نامه‌های تعیین حداقل دستمزد وجود دارد و شرایط کار مساعد است؛ و در بخش غیررسمی، مازاد عرضه نیروی کار وجود دارد و از وجود مقررات خبری نیست و نه قدرت چانه‌زنی قوی وجود دارد و شرایط کار نیز نامساعد است. صنایع با جهت‌گیری صادراتی هم بیشتر به بخش غیررسمی نیروی کار وابسته است. زمانی که رشد صنایع با جهت‌گیری صادراتی تداوم پیدا کند، دستمزدهای نیروی کار غیرماهر شروع به افزایش می‌کند و مازاد عرضه نیروی کار غیرماهر از بین می‌رود. تا زمانی که چنین مرحله‌ای فرا برسد، نیروی کار ماهر در بخش رسمی تقاضای دستمزد بیشتری دارد و به این ترتیب، نابرابری دستمزدها می‌تواند افزایش یابد و وقتی که تجارت بیشتر از کاهش تقاضا

○ میزان مهاجرت نیروی کار جنوب به شمال آنقدر بزرگ نیست که بتواند اثر آزادسازی تجاری بر بخش نیروی کار را توضیح بدهد. ولی در عین حال، نمی‌توان موضوع فرار مغزها را نادیده گرفت.

برای نیروی کار ماهر باشد، این امکان تقویت می‌شود. در مجموع، در کوتاه‌مدت رشد تجارت موجب افزایش نابرابری دستمزدها در بخش کالاهای ساخته شده می‌شود، اما اگر تجارت باز هم به رشد خود ادامه دهد، آنگاه نابرابری دستمزدها نه تنها در بخش کالاهای ساخته شده، بلکه در کل اقتصاد کاهش می‌یابد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اثر تجارت کالاهای ساخته شده میان جنوب و شمال بر اشتغال بازار کار، مثبت بوده است. شغل‌های از دست رفته در کشورهای صنعتی بسیار کم و شغل‌های بدست آمده در کشورهای در حال توسعه بسیار بالا بوده و رشد چنین تجارتی، لزوماً به افزایش پراکندگی دستمزدها در بخش کالاهای ساخته شده کشورهای صنعتی منجر نمی‌شود، همانطوری که در کشورهای در حال توسعه منجر به کاهش پراکندگی دستمزدها نمی‌شود. در عین حال، نمی‌توان منکر هزینه‌های ایجاد شده بود. باید مکانیزم‌هایی پیدا شود تا جایگزین‌هایی برای شغل‌های از دست رفته در کشورهای صنعتی باشد. حتی در کشورهای در حال توسعه نیز که اشتغال

کل در کالاهای ساخته شده افزایش می‌یابد، شغل‌هایی از دست می‌روند که باید برای آنها مکانیزم‌هایی را پیدا کرد تا شغل‌های از دست رفته را بازیابی کند. در هر حال، منافع آزادسازی تجاری به طور واضح از هزینه‌های آن بیشتر است. در واقع، هزینه‌ها تنها بر ضرورت فعال کردن سیاست‌های بازار کار تأکید می‌کنند.

صنایع با جهت‌گیری صادرات در کشورهای در حال توسعه، حداقل در مراحل اولیه در بخش غیررسمی بازار کار تولید می‌شود و رشد آن مربوط به شرایط نامساعد کار در این بخش است. اما شرایط نامساعد بازار کار را باید به درستی درک کرد. در حالی که دلایلی وجود دارد که شرایط کار در بخش صنایع با جهت‌گیری صادراتی نامساعدتر از صنایعی است که در بخش‌های رسمی وجود دارد، دلایل دیگری نیز وجود دارند حاکی از این که آنها بهتر از شرایط کار در بخش‌های غیررسمی اقتصاد هستند، یعنی رشد صنایع با جهت‌گیری صادرات هم باعث افزایش فرصت‌های شغلی می‌شود و هم شرایط کار را بهبود می‌بخشد. بسیار دشوار است که بتوان در این مجموعه، دلایلی را برای ارتباط میان شرایط کار و صنایع با جهت‌گیری صادرات پیدا کرد. بهبود شرایط کار یک ضرورت است و این امر با تشویق رشد صادرات کالاهای ساخته شده امکان‌پذیر است. بسیار واضح است که در صورت افزایش تجارت در طول دوره‌های مختلف، شرایط کار بهبود خواهد یافت.

لازم به توضیح است که در این بررسی، کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی و دو کشور آمریکای لاتین در نظر گرفته شده‌اند و نتایج نشان داد که صنایع با جهت‌گیری صادراتی، از صنایع قابل رقابت با واردات، کار برتر نیستند و تجارت کالاهای ساخته شده میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته براساس اصل مزیت نسبی تئوری هیچ‌چیز - اوایلین عمل نمی‌کند و مطالعه درباره اثر تجارت بر بازار نیروی کار با تجربه مطابقت نمی‌کند، اما این نتیجه‌گیری باید با مطالعات موردی دیگری نیز مورد تأیید قرار گیرد.

در اظهار نظر نهایی باید گفت که میزان مهاجرت نیروی کار جنوب به شمال آنقدر بزرگ نیست که بتواند اثر آزادسازی تجاری بر بخش نیروی کار را توضیح بدهد. ولی در عین حال، نمی‌توان موضوع مهاجرت نیروی کار ماهر کشورهای جنوب به شمال را نادیده گرفت و چنانچه روند مهاجرت ادامه پیدا کند، کشورهای در حال توسعه در بلندمدت با مشکل مواجه خواهند شد. بنابراین، پدیده فرار مغزها باید به طور جدی مورد ملاحظه قرار گیرد.